

# افغانستان بمثابه تخته خيز دهشتگران

## گذار بسوی آسیای میانه

در اینمورد قبل از همه یاد آور باید شد که کشور محبوب ما افغانستان، در طول تاریخ، گذرگاه جهانگشایان بوده که در نتیجه، هست و بود سرزمین ما و داروندان توده های زحمتکش آن یا بتاراج برده شده و یا با خاک و خون یکسان گردیده و باشندگان پر غرورش بعلت پیشروی و دسترسی جهانگشایان بسرزمین افسانوی هندوستان، سربه نیست گردیدند تا از یکجانب، غارتگران به ثروتهای بیشمار موجود دست یافته و از جانبی هم توانسته باشند در تداوم «بازی بزرگ»، منافع جهان سرمایه را تأمین و تضمین نمایند، این «بازی»، همچنان ادامه دارد، منتهی با تغییر نحوه بازی و تغییری تبدیل مهره ها در شکل، اما در بطن و ماهیت مسأله اندکترین و کوچکترین تغییری بمشاهده نمیرسد و تداوم مبارزه و تلاشها بیش از پیش اما با پوششهای رنگارنگ و بوقلمونی همچنان ادامه دارد.

بطور مشخص، یادآور باید شد که شرایط و اوضاع و احوال کنونی کشور از بسیاری جهات مغلق و پیچیده گردیده و طبعاً نگرانیهای کشورهای همجوار افغانستان را در مورد انکشاف بعدی اوضاع کشور بمیان آورده است. رهبران و مسوولان امنیتی کشورهای یادشده چنین میپندارند که نیروهای مخالف دولت افغانستان، اکنون بیش از هر زمان دیگری به تداوم عملیتهایشان پرداخته، بخشهایی از کشور را تحت کنترل خویش قرار داده و بر بسیاری از مراکز و نقاط مرزی افغانستان نیز مسلط گردیده اند. در مورد، قابل تذکار میباشد که از جمله، گروه «دولت اسلامی»، بصورت فعالی در افغانستان مصروف سازماندهی نیروهایش بوده و با اطمینان خاطر مصروف و مشغول اجرا و انجام فعالیتهايش میباشد.

گروههای افراطی در صدد تسلط بر افغانستان و استفاده از کشور ما بمنظور دستیابی به اهدافشان در کشورهای همجوار افغانستان میباشد. متذکر باید گردید که «دولت اسلامی» (قبل از ماه جولای سال پار- «دولت اسلامی شام و عراق») بمثابه سازمان تروریستی بین المللی محسوب میگردد که عمدتاً در سرزمین های سوریه و عراق بفعالیت میپردازند، آنها بتاریخ ۲۹ ماه جون سال ۲۰۱۴، ایجاد خلافت جهانی با اجرای شریعت دررکا یکی از شهرهای سوریه را اعلام کردند. در واقعیت امر و بر اساس برآوردهای مختلف، به ایجاد نیروهای مسلح، با شرکت ۶۰ هزار نفر، موفق گردیدند. آنها از انبارهای اردوی عراق، انواع سلاح و مهمات تدافعی را بدست آورده و با سلاحهای سنگین نیز مسلح میباشدند.

## استخدام جنگجویان

بسیاریها متذکر میگردند که گروهبندی «دولت اسلامی» بهیچوجه با افغانستان ارتباط نداشته، آنرا پدیده بومی نشمرده و به افغانها و افغانستان منتسب نمی نمایند. گروهبندی یادشده برای افغانستان ایجاد و ساخته نشده، بلکه با سرهم بندی نمودن گروه یادشده، ایجادگران آن در صدد استفاده از سرزمین کشورما بمثابه تخته خیزجهت گسترش ساحه نفوذ شان در منطقه میباشند. اما نباید فراموش نمود که تشدید فعالیتهای این گروهبندی در افغانستان، نتیجه پشتیبانی حلفات معین خارجی محسوب میگردد. بنأء، کشورهای منطقه باید علیه تهدید یادشده مشترکاً به فعالیتهای عملی و موثری متوسل گردند.

این مسأله قابل توجه میباشد که «دولت اسلامی»، چندی قبل در افغانستان نیزاعلام موجودیت نموده و باید یادآورشد که در تاثیرگذاری گروه یادشده نیزهرروز افزون بعمل آمده و ساحه نفوذش نیز وسیعتر میگردد. از جمله، گستردگی و ازدیاد استخدام و سربازگیری افراد بیشتراز میان اهالی کشور را میتوان نامبرد. صدها تن از مبلغان به افغانستان فرستاده شده و با استفاده و کاربرد شیوه ها و روشهای معاصر ( بخصوص با استفاده از شبکه های اجتماعی)، از افغانها دعوت مینمایند تا تحت لوای «دولت اسلامی» جمع نموده، بمنظور دفاع از «اسلام پاک» و «رجعت بدوره صدراسلام»، متحد شده و با استفاده از شرایط، به جمع آوری نیرو و ایجاد بیش از پیش طرفداران «دولت اسلامی»، سعی و همت ورزند. با کاربرد چنین وسائل و شیوه ها، در بخشهایی از کشور نیز، طرفدارانی برای خویش دست و پا نمودند.

### نگاه «دولت اسلامی» به سرزمین افغانستان بمثابه گذرگاه وپل عبوری به

#### آسیای میانه

«دولت اسلامی»، میان جنگجویان «طالبان»، به سربازگیری مشغول بوده و آنها را به پیوستن به صفوف «دولت» متذکره ترغیب مینمایند. آنعه طالبانیکه از آینده جنبش خویش ناامیدگردیده و شاهد «موفقیت های» «دولت» نامبرده در سوریه و عراق میباشند، به صفوف جنگجویان «دولت اسلامی» می پیوندند. از جمله عوامل دیگر پیوستن «طالبان» به صفوف «دولت اسلامی»، یکی هم محاسبه و تأکید «طالبان» بر اهرم ترور میباشد که با زنجیره روشن و واضح از دستوردستگاه عمودی قدرت استوار بوده و بر سیستم رهبری بیشتر سازماندهی شده نیروهای نظامی قرار دارد. اما در نظر باید داشت که نقش مهم و عمده در مورد، اندیشه و مفکوره خلافت میباشد که بدین منظور در صدد استقرار «دولت اسلامی» در اراضی وسیعی از قاره آسیا میباشند.

علاوه برآن، طرفداران «دولت اسلامی» تبلیغ مینمایند که مردم نباید فریفته مزایای دنیوی شده و نباید از دینداری و امور اخروی غافل گردند. بنأء، در دستور العملی که به کارمندان تازه وارد تفویض میگردد، استفاده از غذای رایگان تذکر داده شده که مطابق آن «مردم در رستوران دلخواه شان، میتوانند سه وعده غذای رایگان بدست آورند. کسانیکه تحت لوای «دولت اسلامی» قرار دارند، میتوانند از برق رایگان و همچنان از خدمات صحی و دستیابی به ادویه رایگان نیز مستفید گردند». در یادداشت واضح نگردیده که «دولت اسلامی» با استفاده از چه وسائل و طرق ممکن، خدمات دولتی و تهیه امکانات خدماتی سودمند را فراهم مینماید؟

طبق اطلاعات بدست آمده، اظهارات ابومحمد العدنان که مسوولیت منشی مطبوعاتی «دولت اسلامی» را برعهده دارد، حاکی از آنست که در اوضاع و احوال کنونی، جنگجویان «دولت اسلامی»، کمبود و فقدان موجودیت جنگجویان طالبان را در میدانهای نبرد در ولایتهای هلمند، فاریاب و غزنی مرفوع مینمایند. متذکر باید گردید کهبیشترین عده طرفداران «دولت اسلامی» در ولایتهای خوست، پکتیا، پکتیکا و ننگرهار موجود میباشند. همراه با آن، اما بخش اعظمی از «طالبان»، اصلاً «دولت اسلامی» را برسمیت نشناخته و به ملامحمد عمر، رهبر خویش وفادار باقی مانده اند. در نتیجه، بدون در نظر داشت موجودیت وجوهات مشترک میان دو گروه یادشده، اغلب مواقع علیه همدیگر به درگیریهای مسلحانه نیز متوسل گردیده اند.

ابوبکر بغدادی، رهبر «دولت اسلامی»، ملامحمد عمر را «جنگجوی بیسواد و خارج از محیط» نامید که «شایسته اعتماد نمیباشد». در چنین وضعیتی، رهبر «طالبان» بطرفدارانش هدایت داد تا از به اهتزاز درآمدن بیرق «دولت اسلامی»، در افغانستان به هرنحوی جلوگیری نمایند. در این میان قابل یادآوری میباشد که «دولت اسلامی»، این مسأله را پنهان نمینماید که بهیچوجه در پی محدود نمودن ساحه و مناطق تحت نفوذ بنیادگراها در افغانستان نبوده، بلکه آنها در صدد رخت سفر بر بستن بجانب شمال میباشند تا تا «سرزمین بومی اسلام را آزاد سازند» و در نخستین اقدام، کشورهای همجوار افغانستان، سپس قزاقستان، قرغیزستان و بعداً پاک نمودن مناطق مسلمان نشین روسیه را اجرا نمایند.

رهبری «دولت اسلامی»، بحواله اطلاعات منابع خبررسانی، درکل، با این طرز دید موافق است که در افغانستان چیزی در حال تغییر جدی بوده و باید به شرایط و وضعیت، بصورت قابل قبولی ترتیب اثر داده شود. «دولت اسلامی»، سرزمین و اراضی افغانستان را بمثابه پل و مسیر عبوری و راه دستیابی به اهداف در آسیای مرکزی و روسیه می پندارد، درجاییکه زندگی و بود و باش مسلمانان، از دیدگاه بنیادگرایان بصورت قطع اشتباه آمیز و غیراسلامی محسوب میگردد. بمنظور دستیابی به اهداف ذکر شده، «دولت اسلامی»، در صدد آن میباشد تا گروههای موجود و جنگجویان تاجیکها، ازبکها و ترکمنهارا در همه اوقات و ایام سال از یکجانب بجانب دیگر سرحد منتقل نماید.

در اوضاع و احوال کنونی، مطابق معلومات منابع موثق اطلاعاتی، در حدود دوهزار نفر از جنگجویان «طالبان» و نفرات «دولت اسلامی» در مناطق سرحدی کشور جابجا شده اند. در کنار آنها، دهها گروه مسلح دیگر نیز موجود میباشند، منجمله میتوان سازمانهای جهادی تشکیل شده از افراد بومی جمهوری های سابق شوروی در آسیای میانه، مانند «جنبش اسلامی ازبکستان»، «انصارالله» و «جماعت تبلیغ» را ذکر نمود. بیشترین تعداد آنها در مناطق همجوار تاجیکستان یعنی در ولایتهای کندز و بدخشان و همچنان در ولایتهای بادغیس و فاریاب واقع در مناطق همجوار ترکمنستان، جابجا گردیده اند.

منطقه سرحدی ترکمنستان با افغانستان در طول مدت زمان سالهای قبل بصورت نسبی، آرام بوده و حادثه قابل ذکری در آنجا رخ نداده است. اما اینک چند ماه میشود که وضع در منطقه متذکره نیز متشنج گردیده و در نتیجه، بصورت مکرر، به تهاجمات جنگجویان اسلامی بر سربازان ترکمنستان افزایش بعمل آمده و جنگجویان خود را بسرحد انتقال داده و در صدد تحکیم مواضع شان میباشند. در نتیجه این جابجایی ها هزاران تن از باشندگان ولایتهای سرحدی افغانستان، ناگزیر به ترک محلات بود و باش شان شدند.

منطقه ای از سرحد افغانی که با تاجیکستان هم مرز میباشد و در ولایت کندز موقعیت دارد، منطقه متشنج و ناآرام گزارش شده است. در حدود ۶۵ درصد از اراضی ولایت متذکره تحت کنترل شورشیان قرار

دارد. طی ماه می سالروان، گارنیزون محل، با مشکل و زحمات زیاد، تحرکات دستجات تروریستان را بمنظور در اختیار گرفتن میدان هوایی و درگام بعدی تسخیر کندز، نقش بر آب نمود.

در اواسط ماه می سالروان، در جریان اجرای عملیات شبانه در ولایت بدخشان، جنگجویان « دولت اسلامی» مطابق گزارش منابع رسمی، بتعداد ۳۷ تن از مأموران پولیس را یا کشته و یا به اسارت گرفتند. مطابق ارقام داده شده منابع غیررسمی، تعداد کشته شدگان در بدخشان، بیشتر از ارقام ارائه شده توسط منابع رسمی میباشد.

گروههای مسلح غیرقانونی بومی دولتهای آسیای میانه که یکجا و همراه با جنگجویان افغان می جنگند، نه تنها برای کشورها و دول منطقه خطرات فراوانی را ببار میآورند، بلکه احتمال ایجاد تشنجات بزرگتری نیز متصور میباشد.

### «آزادی پایدار» بزعم ایالات متحده

یکی از نتایج و واقعتهای دردناک موجودیت سیزده ساله ایالات متحده و ناتو و اجرای عملی پروگرام «آزادی پایدار»، تبدیل افغانستان به پایگاهی برای گروههای مختلف تروریستی می باشد. باید پذیرفت که مبارزه و نبرد تکراری ایالات متحده علیه تروریسم، نتایج معکوسی ببار آورده و خطرات تروریستی بیش از پیش در کشور، فزونی حاصل نمود.

چنانچه واضح و مبرهن است، ایالات متحده در رأس مبارزه علیه گروهبندی «دولت اسلامی» قرار گرفت، درحالیکه گروهبندی متذکره توسط منابع مادی و کمک و مساعدت طراحان و سازندگان امریکایی ایجاد گردید. اما از آنجاییکه گروه «دولت اسلامی» از اتمسفر تحت تأثیر ایالات متحده خارج گردید، ایالات متحده و همپیمانانش بر مواضع «دولت اسلامی» در عراق و سوریه با حملات هوایی یورش بردند. در اینمورد مسأله ایکه بیش از هر زمان دیگر جلب توجه مینماید، این واقعیت است که نظامیان ایالات متحده نه تنها علیه جنگجویان «دولت اسلامی» در افغانستان به اقدام موثری متوسل نگردیده بلکه بکمک آنها نیز میشتابند.

بلی و «طالبان» پس از امضای توافقنامه امنیتی میان افغانستان و ایالات متحده، به تحکیم مواضع شان در کشور پرداختند. بسیاری از سناتوران و نمایندگان مردم در ولسی جرگه، نگرانی شانرا از وخیم شدن اوضاع امنیتی، بخصوص ناراحتی هایشانرا از تحرکات «دولت اسلامی» در شمال کشور ابراز داشتند. چنین تصور میگردد که امریکایی ها بصورت غیرمستقیم ارتباطاتی با «دولت اسلامی» تأمین نموده اند. نیروهای مسلح امریکایی، تنها آنهایی را، آن گروهها و دسته بندیهاییکه به منافع ایالات متحده بمثابة تهدید پنداشته میشوند، مورد ضربه قرار میدهند. بنأء، نظامیان امریکایی، نه تنها علیه فعالیتها «دولت اسلامی» به اقدامی متوسل نمیگردند، بلکه اعضا و جنگجویان این دسته بندی را مورد حمایتهایشان نیز قرار میدهند. نماینده ای از اهالی شهر کابل در پارلمان کشور اظهار داشت که «دولت اسلامی»، بخودی خود، طرح جدید ایالات متحده در افغانستان میباشد.

تشدید فعالیتها تروریستی در افغانستان و کشورهای همجوار آسیای مرکزی نمیتواند نگرانی دول منطقه را با خود بهمراه نداشته باشد. در نتیجه کنفرانس «امنیت و ثبات در منطقه سازمان همکاریهای شانگهای» نمایندگان کشورهای شرکت کننده طی اعلامیه مشترک تأکید داشتند که درصدد تأمین بیش از پیش روابط

ورشد و انکشاف مناسبات میان کشورهای عضو بوده و اظهار داشتند که همکاری و همیاری مردمان و دول شرکت کننده در این گرد همآیی، در تأمین صلح و امنیت پایدار در منطقه و جهان ممد واقع میگردد.

اعضای شرکت کننده، همچنان تأکید ورزیدند که بصورت همیشگی و دوامدار، ناظر شرایط و نحوه و چگونگی انکشاف اوضاع در افغانستان بوده و بمنظور بهتر شدن اوضاع و تأمین صلح و ثبات پایدار در افغانستان، آماده هر نوع همکاری و همیاری بوده و در زمینه وعده ارائه مساعدتهای لازم را ابراز داشتند.